



Munich Personal RePEc Archive

A Review of Two Macroeconomics Textbooks

Mirjalili, Seyed hossein

Institute for Humanities and Cultural Studies

2 January 2013

Online at <https://mpra.ub.uni-muenchen.de/125866/>
MPRA Paper No. 125866, posted 22 Aug 2025 12:58 UTC

بررسی دو متن درسی در اقتصاد کلان

سیدحسین میرجلیلی*

چکیده

در این مقاله، کتاب *اقتصاد کلان* دکتر رحمانی و *اقتصاد کلان* برانسون به عنوان متون درسی برای دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد مؤسسات آموزش عالی کشور از جهت رویکرد تحلیلی و روزآمدی مورد بررسی قرار گرفته‌است. رویکرد تحلیلی هر دو متن، بر اساس چارچوب سنتی در آموزش اقتصاد کلان و طبق رویکرد سنتز نئوکلاسیک - کینزی است. برای سنجش روزآمد بودن و رویکرد تحلیلی، *اقتصاد کلان* دکتر رحمانی با *اقتصاد کلان* بلانچارد به عنوان یک متن درسی استاندارد مبتنی بر سنتز نئوکلاسیک - کینزی مقایسه شده است. *اقتصاد کلان* برانسون نیز با *اقتصاد کلان* رومر به عنوان یک متن استاندارد برای اقتصاد کلان پیشرفته، از جهت روزآمدی مقایسه شده و مفاهیم پوشش داده‌نشده در مقاله ذکر گردیده است.

کلیدواژه‌ها: متن درسی، اقتصاد کلان کارشناسی، اقتصاد کلان میانه، سنتز نئوکلاسیک.

۱. مقدمه

هر متن درسی اقتصاد کلان به یک چارچوب نظری برای تحلیل پدیده‌های کلان در کوتاه‌مدت نیاز دارد. سه چارچوب نظری غالب عبارت‌اند از: IS-LM-AS، رویکرد کلاسیک جدید و IS-MP-IA.

* دانشیار پژوهشکده اقتصاد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی smirjalili@worldbank.org

h.jalili@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱/۲۲

الف) چارچوب تحلیلی سنتی در آموزش اقتصاد کلان بر اساس اقتصاد کینزی در دوره کارشناسی، استفاده از رویکرد عرضه کل - تقاضای کل یا IS-LM-AS برای کوتاه‌مدت است. در رویکرد سنتی با استفاده از مدل‌های جمعی شده اقتصاد کلان و بر اساس تفسیر آرای کینز از قبیل سنتز نئوکلاسیک - کینزی، به تحلیل اقتصاد کلان می‌پردازند. برخی متون اقتصاد کلان دوره کارشناسی با چارچوب تحلیلی سنتی عبارت‌اند از: اقتصاد کلان برانسون (۱۹۸۹) و اقتصاد کلان درنبوش - فیشر - استارتز (۲۰۱۱).

یکی از مراحل تطوّر اقتصاد کینزی، تفسیر کتاب *نظریه عمومی بر اساس سنتز نئوکلاسیک* - کینزی بود. ساموئلسن علاقه به نظریه تعادل عمومی را احیا کرد؛ از این رو، اقتصاد کینزی بر اساس نظریه تعادل عمومی تفسیر شد که در آن معادلات به عنوان شرایط تعادل بازار تفسیر گردید؛ مانند مدل IS-LM که هیکس (۱۹۳۷) و سپس هانس (۱۹۵۳) مطرح کردند. مدل IS-LM را می‌توان تفسیر اقتصاد کلان کینز بر حسب نظریه تعادل عمومی دانست. طی دهه ۱۹۵۰، اقتصاد کینزی صراحتاً در یک چارچوب تعادل عمومی تفسیر شد.

پل ساموئلسن اصطلاح «سنتز نئوکلاسیک» را برای دلالت بر دیدگاهی در اقتصاد کلان وضع کرد که در اواسط دهه ۱۹۵۰ در ایالات متحده آمریکا پدیدار شد. سنتز نئوکلاسیک بیست سال دیگر، یعنی تا دهه ۱۹۷۰، تأثیرگذار بود که در آن، مطالب مهم هیکس، مودیلیانی، سولو، توبین و دیگران جای می‌گیرد.

در ویرایش سوم کتاب *اقتصاد* (۱۹۵۵: ۲۱۲)، پل ساموئلسن می‌نویسد: در سال‌های اخیر ۹۰ درصد اقتصاددانان آمریکایی از «اقتصاددان کینزی» یا «اقتصاددان ضد کینزی» بودن، دست برداشته‌اند. به جای آن، آن‌ها روی سنتزی از هر آنچه در اقتصاد قدیم و در نظریه‌های مدرن تعیین درآمد، با ارزش است، کار کرده‌اند. نتیجه می‌تواند «اقتصاد نئوکلاسیک» نامیده شود و مطالب آن توسط همه به جز ۵ درصد نویسندگان چپ افراطی و راست افراطی پذیرفته شده است. برخلاف اقتصاد نئوکلاسیک قدیم، سنتز نئوکلاسیک انتظار ندارد که اشتغال کامل تحت لسه‌فر تحقق یابد، بلکه بر آن است که با کاربرد درست سیاست پولی و مالی، حقایق کلاسیک قدیم دوباره معتبر خواهد بود.

این رویکرد، «سنتز» نئوکلاسیک و کینزی نامیده شده است، بدان جهت که نتایج مدل در «درازمدت» یا در سیستم IS-LM با کارکرد کامل، نئوکلاسیک است، ولی در «کوتاه‌مدت» یا سیستم IS-LM با کارکرد ناقص، نتایج کینزی برقرار است. بعدها، سنتز

منحنی فیلیپس را به سیستم خود اضافه کرد تا بتواند تورم را توضیح دهد. بخش بین‌المللی در سیستم IS-LM گسترش یافت و به عنوان مدل ماندل - فلمینگ معروف شد.

نمونه بارز مصادیق سنتز نئوکلاسیک - کینزی، مدل MPS است که مودیلیانی و همکارانش ساختند که اغلب مطالب این دیدگاه را در یک مدل دارای انسجام ریاضی و مبتنی بر تجربه اقتصاد امریکا گنجانده‌اند و در کتاب برانسون ذکر شده است. مودیلیانی گفته است که مدل وی در اواسط دهه ۱۹۵۰ صریحاً مبتنی بر تعادل عمومی بوده است. در این برهه، اقتصاددانان توجه بیشتری به مبانی اقتصاد خرد پدیده‌های کینزی داشتند. مشهورترین تفسیر سنتز نئوکلاسیک از اقتصاد کینزی در دهه ۱۹۵۰ و دهه ۱۹۶۰، کتاب پول، بهره و قیمت‌های دن پاتینکن (چاپ اول ۱۹۵۶ و چاپ دوم ۱۹۶۵) است که در آن مدل‌های صریح رفتار خانوار و بنگاه مبتنی بر رفتار حداکثرکننده، شالوده تمام روابط اقتصاد کلان است.

مطالعه دیگری که در چارچوب سنتز نئوکلاسیک - کینزی انجام شد و برانسون در کتاب خود آورده است، مربوط به کوزنتس است. وقتی کوزنتس داده‌های مربوط به مصرف جمعی درازمدت را تهیه کرد، روشن شد که نسبت مصرف به درآمد در درازمدت تقریباً ثابت است؛ نتیجه‌ای که با تابع مصرف کینز ناسازگار بود. از سوی دیگر، تحقق نیافتن پیش‌بینی مربوط به پس‌انداز بعد از جنگ جهانی دوم، به ارزیابی مجدد نظریه مصرف منجر شد و حداکثرسازی بین زمانی مطلوبیت به صورت «فرضیه درآمد دایمی» فریدمن (۱۹۷۵) و «فرضیه چرخه زندگی» مودیلیانی و همکارانش (۱۹۵۴) توسعه یافت که رابطه میان توابع مصرف کوتاه‌مدت و درازمدت را پیش‌بینی کرد. کار روی مدل‌های اقتصادسنجی کلان، با مدل‌های برآوردشده توسط کلاین شروع شد. بنابراین، سنتز نئوکلاسیک - کینزی در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ حاکم بود (Backhouse, 1996: 142-149).

در واقع، «سنتز نئوکلاسیک - کینزی» تفسیر و صورت‌بندی اقتصاد کینزی توسط گروهی از اقتصاددانان عمدتاً آمریکایی پس از جنگ جهانی دوم است. محور سنتز نئوکلاسیک - کینزی، مدل IS-LM است که نخستین بار جان هیکس (۱۹۳۷) معرفی کرد. مدل IS-LM ادعا می‌کند که جان کلام کتاب نظریه عمومی کینز (۱۹۳۶) را به شکل نظام معادلات هم‌زمان نشان می‌دهد. یکی از نتایج مدل IS-LM این است که نمی‌توان نتیجه کینزی «تعادل بیکاری» را به دست آورد، بلکه این مدل نتیجه نئوکلاسیک «اشتغال کامل» را به دست می‌آورد. در نتیجه، به منظور ایجاد «تعادل بیکاری» به عنوان راه حل برای این

دستگاه معادلات، سنتز به دستمزدهای پولی انعطاف‌ناپذیر، تقاضای سرمایه‌گذاری بی‌کشش نسبت به بهره، تقاضای پول بی‌کشش نسبت به درآمد و یا برخی نقص‌های دیگر در این سیستم متوسل می‌شود.

کار بسیاری نیز به ارائه مبانی خرد برای روابط اساسی کینزی اختصاص یافت: فرانکو مودیلیانی و ریچارد برامبرگ (۱۹۵۳) تابع مصرف را به عنوان مسئله به‌حداکثر رساندن مطلوبیت فرموله کردند. تابع سرمایه‌گذاری از حداکثرسازی سود توسط دیل جورگنسون (۱۹۶۳) و رابرت آیزنر و رابرت استروتنز (۱۹۶۳) به‌دست‌آمد؛ تابع تقاضای پول نیز از طریق حداکثرسازی مطلوبیت توسط ویلیام بامول (۱۹۵۲) و جیمز توپین (۱۹۵۶، ۱۹۵۸) توضیح داده شد؛ مکانیزم انتقال (یعنی تأثیر LM بر IS) گسترش یافت و لئوید ملتنز (۱۹۵۱)، جیمز توپین (۱۹۶۱، ۱۹۶۹) و بسیاری دیگر تحلیل دقیق‌تری را ارائه دادند. همه این مطالعات در کتاب *اقتصاد کلان* برانسون شرح داده شده‌است.

یورگنسن و همکاران «نظریهٔ نئوکلاسیک سرمایه‌گذاری» را توسعه دادند (۱۹۶۷). تحقیق در مورد عرضه و تقاضای پول گسترش یافت و شامل تمام دارایی‌ها شد. توپین (۱۹۵۶) و بامول (۱۹۵۲) نظریهٔ تقاضای پول را ارائه کردند. با افول رویکرد سنتز از دههٔ ۱۹۷۰ به بعد، ساموئلسون نیز آن را از ویرایش‌های بعدی کتاب *اقتصاد* خود حذف کرد.

ب) رویکرد کلاسیک جدید: دیدگاه مدرن جایگزین چارچوب تحلیلی سنتی در آموزش اقتصاد کلان بر اساس اقتصاد کینزی، یعنی کلاسیک‌های جدید، برای تحلیل اقتصاد کلان در کوتاه‌مدت، از مدل چرخهٔ کسب و کار واقعی به عنوان مدل اصلی استفاده می‌کنند. در این رویکرد ارتباط میان درازمدت و کوتاه‌مدت به‌خوبی نشان داده می‌شود و می‌تواند برای تحلیل مسائل مربوط به سیاست‌های کلان اقتصادی از قبیل مالیات، مخارج دولت و سیاست پولی مورد استفاده قرارگیرد. کتاب *اقتصاد کلان* مدرن بارو (۲۰۰۸) نمونهٔ بارز این رویکرد است.

ج) رویکرد کینزی جدید: چارچوب تحلیلی مدرن دیگر در آموزش اقتصاد کلان در دورهٔ کارشناسی، کینزی جدید است. مؤلفه‌های کلیدی این چارچوب تحلیلی، منحنی فیلپس کوتاه‌مدت کینزی جدید (یعنی منحنی عرضهٔ کل با شیب صعودی کوتاه‌مدت) است.

در این شرایط، تورم به تورم مورد انتظار در آینده بستگی دارد. در منحنی عرضهٔ کل پویا، انتظارات در مورد تورم آینده، در کوتاه‌مدت بر محصول تأثیر می‌گذارد. بنابراین، انتظارات در مورد سیاست پولی در آینده و شوک تقاضا باعث می‌شود منحنی‌های پویای

AS و AD منتقل شوند. نوآوری کلیدی نسبت به مدل سستی کینزی این است که مدل کینزی جدید دارای جنبه‌های مهم پویا از اقتصاد کلان است و بین آثار پیش‌بینی‌شده و غیرمنتظره شوک‌های تقاضای کل تفاوت می‌گذارد. در واقع، مدل کینزی جدید دلالت دارد که شوک‌های غیرمنتظره آثار بزرگتری بر محصول در کوتاه‌مدت نسبت به شوک پیش‌بینی‌شده دارد (Mishkin, 2012: 323). در تحلیل کینزی جدید، بر اساس قاعده تیلور، نرخ بهره ابزار اصلی سیاست پولی است نه عرضه پول. یک ویژگی مهم تحلیل کینزی جدید این است که مدل کلاسیک جدید چرخه واقعی کسب و کار، حالت خاصی از مدل کینزی جدید با قیمت‌های به طور کامل انعطاف‌پذیر است.

شاید مهم‌ترین تفاوت بین رویکرد کلاسیک جدید و کینزی جدید در تدریس اقتصاد کلان دوره کارشناسی، نقش سیاست اقتصاد کلان در کوتاه‌مدت است (تفاوت اندکی در آثار درازمدت در مدل وجود دارد). مدل کلاسیک جدید نشان می‌دهد سیاست انبساطی نقشی ندارد، چون قیمت‌ها به سرعت تعدیل می‌شوند، لذا هیچ اثری بر تولید واقعی ندارد (ولی آثار تورمی وجود دارد). اما، مدل کینزی جدید برای سیاست انبساطی به منظور تقویت محصول در کوتاه‌مدت، نقشی قایل است که به دلیل چسبندگی قیمت می‌باشد.

در مورد استفاده از سیاست‌های ضد تورمی (مانند سیاست پولی انقباضی) بر اساس مدل کلاسیک جدید، سیاست پولی انقباضی تورم را کاهش خواهد داد، اما هیچ اثری بر تولید واقعی ندارد. اما، طبق مدل کینزی جدید (و قدیم)، کاهش دادن تورم به کاهش تولید واقعی در کوتاه‌مدت منجر می‌شود، اگرچه وقتی سیاست پیش‌بینی شده است، کاهش در محصول می‌تواند به حداقل برسد. نکته مهم اینکه این مدل‌ها برای مقابله با مسائل ناشی از رکود بزرگ، به‌ویژه بحران مالی و دام نقدینگی، مجهز شده‌اند. چارچوب سستی کینزی در حال حاضر در نهادهای سیاست‌گذاری استفاده نمی‌شود. برخی کتاب‌های درسی تلاش کرده‌اند شکاف بین روش سستی و مدرن کینزی را پل بزنند و با گنجاندن فصل جدیدی در مدل پویای AS/AD مانند کتاب *اقتصاد کلان منکیو* (۲۰۱۰)، مقدمه‌ای در مورد مدل‌های DSGE ارائه‌کنند که در متون درسی دوره‌های کارشناسی ارشد متداول شده است و در نهادهای سیاست‌گذاری استفاده می‌شود.

با عنایت به موارد یادشده، در این مقاله به دنبال بررسی چارچوب تحلیلی و رویکرد *اقتصاد کلان دکتر رحمانی و اقتصاد کلان برانسون هستیم*.

کتاب *اقتصاد کلان* نوشته دکتر تیمور رحمانی، استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران،

کتاب برگزیده دانشگاهی سال ۱۳۸۰ است و چاپ هفتم آن در ۱۳۸۴ در دو جلد توسط انتشارات برادران منتشر گردیده است.

کتاب *نظریه و سیاست اقتصاد کلان* نوشته ویلیام اچ. برانسون (۱۹۳۸-۱۹۵۹)، استاد اقتصاد دانشگاه پرینستون است. از ویرایش سوم کتاب *اقتصاد کلان* برانسون (۱۹۸۹) سه ترجمه به فارسی منتشر شده است.

۱. ویلیام اچ. برانسون (۱۳۷۳). *اقتصاد کلان، نظریه‌ها و سیاست‌گذاری* (۱۴ فصل)، ترجمه مرتضی عمادزاده، چاپ اول، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.

۲. ویلیام اچ. برانسون (۱۳۷۲). *تئوری و سیاست اقتصاد کلان* (۱۲ فصل)، ترجمه سید ابراهیم حسینی نسب، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.

۳. ویلیام اچ. برانسون (۱۳۸۷). *تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان*، ترجمه عباس شاکری، چاپ دوازدهم، نشر نی.

هنگامی که ترجمه‌های یادشده به‌ویژه ترجمه دکتر شاکری منتشر گردید، خلأ یک متن درسی به زبان فارسی روان برای دوره کارشناسی ارشد به‌خوبی پر شد.

با توجه به اینکه کتاب *اقتصاد کلان* دکتر رحمانی برای درس اقتصاد کلان (۱) و (۲) دوره کارشناسی علوم اقتصادی و کتاب *اقتصاد کلان* برانسون برای درس اقتصاد کلان (۱) و (۲) کارشناسی ارشد در تعدادی از مؤسسات آموزش عالی کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد، در این مقاله قصد بررسی تطبیقی این دو متن درسی، نخست از جهت چارچوب و رویکرد تحلیلی و دوم، از جهت روزآمدی را داریم. بدین منظور، پس از معرفی، به نقد روش‌شناختی و محتوایی این دو متن می‌پردازیم. روش تحقیق، بررسی تحلیلی - تطبیقی است و پرسش‌های اصلی این بررسی عبارت‌اند از:

۱. رویکرد تحلیلی این دو متن چیست؟ ارزیابی این رویکرد چیست؟

۲. آیا این دو متن روزآمد هستند؟

۲. معرفی محتوای دو متن

الف) اقتصاد کلان دکتر رحمانی: کتاب *اقتصاد کلان* تألیف دکتر تیمور رحمانی در دو جلد برای دروس اقتصاد کلان ۱ و اقتصاد کلان ۲ دوره کارشناسی علوم اقتصادی تنظیم شده‌است. جلد اول در هفت فصل شامل مباحث مربوط به محاسبات تولید ملی و قیمت‌ها، مدل‌های

درآمد - مخارج و مدل IS-LM است. جلد دوم در هشت فصل شامل مباحث مربوط به عرضه و تقاضای کل و منحنی فیلیپس و تأثیر تغییرات بخش عرضه اقتصاد بر متغیرهای تولید، سطح قیمت‌ها و سطح اشتغال را بررسی می‌کند؛ همچنین، نظریه‌های کلان مصرف، سرمایه‌گذاری، تقاضا و عرضه پول را معرفی می‌کند. هدف *اقتصاد کلان* دکتر رحمانی، در وهله نخست، تهیه متن درسی برای اقتصاد کلان (۱) و (۲) برای سطح کارشناسی علوم اقتصادی و دوم، ارائه روان و روشن مطالب همراه با مثال‌های عددی متعدد است. در کتاب *اقتصاد کلان* دکتر رحمانی، از چارچوب تحلیلی کتاب ذکری به میان نیامده است.

ب) اقتصاد کلان برانسون: کتاب *نظریه و سیاست اقتصاد کلان* برانسون مشتمل بر پنج بخش و ۲۷ فصل است. بخش نخست شامل مرور خلاصه‌ای از عملکرد اقتصاد کلان امریکا در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، حسابداری درآمد و محصول ملی و مقدمه‌ای بر مدل‌های ساده ضریب فزاینده است. بخش دوم با عنوان تعیین درآمد ملی: مدل تعادل ایستا، به توضیح مدل‌های تعادل ایستا با استفاده از مدل IS-LM می‌پردازد و تعادل طرف تقاضا را با تعادل طرف عرضه به دست می‌آورد و تعادل را در مدل ایستا نشان می‌دهد. سپس تأثیر سیاست پولی و مالی و درآمدی را بررسی می‌کند. در این بخش، پس از معرفی نظریه جست‌وجوی شغل، به تحلیل انعطاف‌ناپذیری دستمزد (Wage Rigidity) و بیکاری می‌پردازد؛ سپس، انتظارات تطبیقی و عقلایی و قراردادهای کار، معرفی شده و تأثیر آن بر تعادل ایستا بررسی می‌شود؛ بخش سوم مربوط به توابع تقاضای بخشی و گسترش‌های مدل ایستا است. بدین منظور، توابع مصرف، سرمایه‌گذاری، عرضه و تقاضای پول بررسی شده و بخش خارجی و تراز پرداخت‌ها به مدل اضافه شده است. سرانجام، تحلیل اقتصاد کلان عدم تعادل (عدم تسویه بازارها) ارائه شده است؛ بخش چهارم مربوط به پویایی‌های میان‌مدت: میان تعادل ایستا و رشد بلندمدت است که در آن به تحلیل تورم، بهره‌وری و توزیع درآمد، منحنی فیلیپس، آثار تأمین مالی کسری بودجه دولت و رشد روندی می‌پردازد؛ بخش پنجم با عنوان رشد بلندمدت همراه با اشتغال کامل به معرفی مدل‌های رشد اقتصادی، مدل رشد نئوکلاسیک‌ها و مدل گسترش یافته آن با تغییر فروض مربوط به پس‌انداز، قاعده طلایی و مدل‌های رشد بهینه و رشد میان‌مدت و میزان بی‌اطلاعی ما از سنجش نقش پیشرفت فنی در رشد اقتصادی می‌پردازد که در آن بحثی از انواع متعدد تغییر فناوری با توجه به «واقعیت‌های سبک‌شده» (Stylized Facts) رشد امریکا ارائه می‌دهد.

هدف اقتصاد کلان برانسون، در وهله نخست، ارائه چارچوب اقتصاد کلان و نحوه ارتباط

میان اجزاء آن و دوم، ارائه کارهای تجربی انجام شده روی بخش‌های مختلف اقتصادی است. نظریه‌های رفتار مصرف‌کننده، تقاضای سرمایه‌گذاری و برآوردهای تجربی مبتنی بر این نظریه‌ها و اصلاحات ناشی از آن. سوم، نظریه ایستای تعیین درآمد را با نظریه نئوکلاسیک رشد و پویایی‌های میان‌مدت، مرتبط نموده و جمع کند (Branson, 1989: xiii-xiv).

برانسون در مقدمه ویرایش سوم کتاب خود اذعان می‌کند که از سه اصل روش‌شناختی پیروی کرده است: اول اینکه دیدگاه تعادلی از اقتصاد کلان را تحلیل کرده و سپس روابط میان بخش‌ها را هنگام تغییر متغیرهای سیاستی مورد مطالعه قرار می‌دهد (ایستای مقایسه‌ای)؛ دوم اینکه توابع جمعی اقتصاد کلان را بر مبنای اصول اقتصاد خرد ارائه می‌کند؛ سوم اینکه مؤلف کوشیده است بحث‌های لفظی، جبری و نموداری را در کنار هم قرار دهد (ibid, xiv). چهارمین اصل روش‌شناختی، چارچوب تحلیلی متن است که سنتز نئوکلاسیک - کینزی است. برانسون در فصل نخست در زمینه تحولات اقتصاد کلان می‌گوید:

یک پیامد مهم توسعه اقتصاد کلان مدرن این است که اهمیت اقتصاد خرد کلاسیک را آن‌گونه که ساموئلسن «سنتز نئوکلاسیک» نامید، احیا کرد، چراکه اگر اقتصاد در نزدیکی اشتغال کامل باشد، نظریه تخصیص بهینه منابع کمیاب دوباره معتبر و مهم می‌شود و افزایش محصول نیز تحت این شرایط با هزینه فرصت همراه خواهد بود (برانسون: ۱۹۸۹: ۴).

برانسون در فصل هجدهم کتاب خود با عنوان *اقتصاد کلان* وقتی بازارها تسویه نمی‌شود، می‌گوید:

در این کتاب شرح کاملی از مدل تعادلی ایستا و گسترش‌های آن که جریان اصلی اقتصاد کلان بعد از کینز را منعکس می‌کند، ارائه شده است. این مدل از چارچوب IS-LM هیکس استفاده می‌کند. به این مدل سنتز نئوکلاسیک گفته می‌شود، زیرا در وضعیت تعادلی عمومی ساده، چارچوب IS-LM با تحلیل سنتی اقتصاد خرد بر حسب عرضه و تقاضا سازگار است و معادلات رفتاری در سطح کلان از طریق جمع‌زدن معادلات رفتاری افراد که اطلاعاتشان از رویدادهای بازار به قیمت‌ها محدود می‌شود، به دست می‌آید. سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا سنتز نئوکلاسیک بازنمایی مناسبی برای نظریه عمومی کینز و بینش زیربنایی آن هست یا نه؟ این پرسش، انگیزه بخش بسیاری از تحقیقات اقتصاد کلان در دهه ۱۹۸۰ بوده است. یکی از مشغله‌های ذهنی اصلی کینز این بود که توضیح دهد که وقتی بازار کار تسویه نمی‌شود، چگونه بیکاری غیرداوطلبانه گسترده می‌تواند وجود داشته باشد و تداوم یابد. در سنتز نئوکلاسیک، بیکاری غیرارادی تنها در شرایط خاصی به وجود می‌آید؛ یعنی، تنها انعطاف‌ناپذیری دستمزد اسمی، دلیل ممکن برای بیکاری غیرارادی باقی می‌ماند (ibid, 1989: 429-430).

در جدول‌های ۱ و ۲، سرفصل‌های دو متن مورد بررسی ارائه شده است.

جدول ۱. سرفصل متن درسی اقتصاد کلان برانسون (۲۷ فصل)

الف) مقدمه
۱. تولید ناخالص ملی بالفعل و بالقوه: نوسانات و رشد
۲. مروری بر حساب‌های درآمد و تولید ملی
۳. مقدمه‌ای بر تعیین درآمد: ضریب فزاینده
ب) تعادل کوتاه‌مدت
۴. تعادل طرف تقاضا: درآمد و نرخ بهره
۵. مقدمه‌ای بر سیاست‌های پولی و مالی
۶. عرضه و تقاضا در بازار کار
۷. تعادل در طرف عرضه: محصول و سطح قیمت
۸. تعادل در مدل ایستا
۹. سیاست پولی و مالی و درآمدی
۱۰. جست‌وجوی شغل، انعطاف‌ناپذیری دستمزدها و بیکاری
۱۱. انتظارات عقلایی و سیاست تقاضا
۱۲. مصرف و مخارج مصرفی
۱۳. تقاضای سرمایه‌گذاری
۱۴. تقاضای پول
۱۵. عرضه پول
۱۶. سیاست پولی و مالی در مدل گسترش‌یافته
۱۷. بخش خارجی و تراز پرداخت‌ها
۱۸. تحلیل اقتصاد کلان وقتی که بازارها تسویه نمی‌شوند.
ج) تعادل میان‌مدت
۱۹. تورم، بهره‌وری و توزیع درآمد
۲۰. تورم و بیکاری: منحنی فیلیپس
۲۱. مقدمه‌ای بر پویایی‌های تعدیل موجودی
۲۲. رشد روندی در مدل ایستا

(د) تعادل درازمدت
۲۳. معرفی مدل‌های رشد؛ ۲۴. مدل رشد نئوکلاسیک‌ها؛ ۲۵. گسترش مدل نئوکلاسیک با تغییر فروض مربوط به پس‌انداز؛ ۲۶. قانون طلایی و معرفی مدل‌های رشد بهینه؛ ۲۷. رشد میان‌مدت و میزان بی‌اطلاعی ما

مأخذ: ویلیام برانسون (۱۳۸۷). *اقتصاد کلان*، ترجمه دکتر عباس شاکری، نشر نی.

جدول ۲. سرفصل متن درسی *اقتصاد کلان* (۱) و (۲) دکتر رحمانی (۱۵ فصل)

الف) مقدمه
۱. جریان دایره‌وار تولید و درآمد ملی
۲. محاسبه تولید ملی و شاخص قیمت‌ها
۳. مدل‌های درآمد - مخارج کینزی
۴. موضوعاتی در مدل‌های درآمد - مخارج کینزی
ب) تعادل کوتاه‌مدت و میان‌مدت
۵. تعادل بازار کالا و پول (مدل IS-LM)
۶. سیاست‌های پولی و مالی (با استفاده از IS-LM)
۷. تحلیل‌های کلان اقتصاد باز (مدل IS-LM-BP)
۸. تقاضای کل
۹. عرضه کل
۱۰. تعادل عرضه و تقاضای کل و سیاست‌های پولی و مالی
۱۱. منحنی فیلپس و رابطه تورم و بیکاری
۱۲. نظریه‌های مصرف
۱۳. نظریه‌های سرمایه‌گذاری
۱۴. تقاضای پول
۱۵. عرضه پول

مأخذ: تیمور رحمانی، *اقتصاد کلان*، جلد اول و دوم، چاپ هفتم، انتشارات برادران.

با مقایسه محتوای جدول‌های ۱ و ۲، موارد زیر قابل توجه است:

- *اقتصاد کلان* دکتر رحمانی، کمبود یک متن تألیفی برای دانشجویان دوره‌های کارشناسی را پس از انتشار به‌خوبی پر کرد و استقبال از آن در چاپ‌های متعدد، بهترین دلیل آن است.

- مطالب مقدماتی اقتصاد کلان در کتاب دکتر رحمانی با تفصیل جبری بیشتری از کتاب برانسون ذکر شده است.

- در کتاب دکتر رحمانی، در حالی که متغیرهای جریان و ذخیره و درونزا و برونزا تعریف شده‌اند، متغیرهای اسمی و واقعی تعریف نشده است و با اینکه تحلیل‌های کتاب به صورت ایستا است، در این مورد توضیح داده نشده است.

- در صفحه ۱۴ کتاب دکتر رحمانی گفته شده که عرضه کل همان تولید ناخالص ملی است، در حالی که در یک اقتصاد بسته، عرضه کل همان تولید ناخالص داخلی است و در یک اقتصاد باز، عرضه کل معادل تولید ناخالص داخلی به علاوه واردات است.

- در صفحه ۲۶ و ۱۶۶ کتاب دکتر رحمانی، بازار مالی به پول و اوراق قرضه محدود شده است و در سراسر کتاب این تعریف دنبال شده است. بحران اخیر جهانی ناقص بودن این تعریف را آشکار کرد. کتاب‌های جدید اقتصاد کلان، بازار مالی را جامع‌تر در نظر می‌گیرند تا واقع‌نگری بیشتری در تحلیل اقتصاد کلان داشته باشند.

- به نظر می‌رسد رویکرد تحلیلی و محتوای اقتصاد کلان دکتر رحمانی از اقتصاد کلان برانسون تأثیرپذیری قابل توجهی داشته است. چارچوب تحلیلی اصلی کتاب، IS-LM-AS است و رویکرد تحلیلی کتاب، سنتز نئوکلاسیک - کینزی است که اقتصاد کینزی را به صورت تعادل والراسی تحلیل می‌کند (فصل ۱: تعادل بازارها؛ فصل ۳: درآمد تعادلی؛ فصل ۴: پایداری تعادل درآمد ملی؛ فصل ۵: تعادل بازار کالا و پول؛ فصل ۶: IS و LM و درآمد ملی تعادلی؛ فصل ۷: تعادل تراز پرداخت‌ها؛ فصل ۸: IS و LM و تقاضای کل؛ فصل ۹: تعادل بازار کار؛ فصل ۱۰: تعادل عرضه و تقاضای کل؛ فصل ۱۲ و ۱۳ و ۱۴: تقاضاهای بخشی بر اساس مطالعات سنتز نئوکلاسیک ارائه شده است).

- در کتاب دکتر رحمانی تحولات اقتصاد کلان در دهه ۱۹۹۰ و دهه ۲۰۰۰ منعکس نشده است و به‌ویژه مباحث کینزی جدید و یا کلاسیک جدید مورد بحث قرار نگرفته است. - روشن نیست چرا تقاضاهای بخشی (فصول ۱۲ تا ۱۵) در اقتصاد کلان دکتر رحمانی بعد از فصول ۱۰ و ۱۱ آمده است، در حالی که در تحلیل تعادل مدل ایستا، تقاضای بخشی باید در نظر گرفته شود.

- اقتصاد کلان دکتر رحمانی فاقد مباحث مربوط به تعادل درازمدت در زمینه رشد اقتصادی است، در حالی که متون درسی شناخته‌شده اقتصاد کلان، شامل مباحث رشد اقتصادی است و حتی برخی متون از رشد اقتصادی آغاز کرده‌اند.

– عمده فصول *اقتصاد کلان* دکتر رحمانی مربوط به تحلیل تعادل اقتصاد کلان در کوتاه‌مدت است و میان تعادل کوتاه‌مدت و میان‌مدت تفکیک نشده است. بنابراین، چارچوب کتاب باید تکمیل شود.

– در فصل پنجم کتاب دکتر رحمانی، در مقدمه تحلیل تعادل بازار کالا و پول، به نقش هیکس – هانسن در تحلیل IS و LM اشاره نشده است. از این رو، دانشجو ممکن است فکر کند که این تحلیل توسط کینز ارائه شده است. همچنین، اشاره نشده است که تحلیل IS و LM برای تحلیل تقاضای کل در کوتاه‌مدت است.

۳. نقد مشترک هر دو متن

۱,۳ رویکرد تحلیلی هر دو متن، چارچوب نظری سستی است که مورد انتقاد است.

در *اقتصاد کلان* دکتر رحمانی و برانسون همانند اقتصاد کلان سستی (و مبتنی بر ستنز نئوکلاسیک – کینزی)، تحلیل IS-LM نقش مرکزی دارد، در حالی که رویکرد تحلیلی سستی مبتنی بر تقاضای کل – عرضه کل که تقاضای کل آن را تحلیل IS-LM تشکیل می‌دهد، مورد انتقاد گسترده بوده است. گیتمن (Geitman, 1994: 475-477) به نواقص منطقی چارچوب AS-AD می‌پردازد. کولندر (1995: 170) ناسازگاری‌های بین تفسیر استاندارد منحنی AD و بنیادهای کینزی را ارائه می‌کند و بر آن است که تحلیل عرضه کل – تقاضای کل، حداقل الزام یک مدل یعنی انسجام منطقی را ندارد؛ اجزای تشکیل‌دهنده آن از مدل‌هایی به دست آمده‌اند که منعکس‌کننده مدل‌های غیرمنسجم و متفاوت اقتصاد هستند؛ او همچنین به مشکلات پویایی‌ها در پاسخ به شوک توسط مدل، اشاره می‌کند.

هرچند تحلیل IS-LM، روش تحلیل تقاضای کل طی بیش از نیم قرن گذشته بوده است، با نقدهای متعددی همراه بوده است. مهم‌ترین نواقص تحلیل IS-LM در نظر رومر (Romer, 2000: 149) و بکه‌اوس و لیدلر (Laidler, 2004: 32-54)، دارلوف و هستر (Darlauf and Hester, 2008: 5) و (Nelson, 2008: 2) عبارت‌اند از: ۱. فاقد مبانی اقتصاد خرد است؛ ۲. توابع مصرف و سرمایه‌گذاری ad hoc مشخص شده است و نه به‌عنوان نتیجه حل مسائل تصمیم‌گیری؛ ۳. سطح قیمت را برونزا در نظر می‌گیرد؛ ۴. انتظارات در این مدل نقشی ندارد؛ ۵. پیچیدگی‌های اقتصاد را به چند رابطه جمعی شده خام، ساده‌سازی می‌کند؛ ۶. جامع نیست و فروض و ساده‌سازی‌ها، این تحلیل را برای برخی موضوعات و شرایط اقتصادی، مناسب می‌سازد؛ ۷. ناسازگاری با مفروضات پشت مدل IS / LM که بر

حسب انعطاف‌پذیری قیمت‌هاست؛ ۸. ایستاست و از هماهنگی و انتخاب بین زمانی و آینده‌نگر غفلت کرده است. این مدل تصویری لحظه‌ای از اقتصاد کلان ارائه می‌کند، بدون در نظر گرفتن این واقعیت که تصویر لحظه‌ای، بخشی از یک تصویر متحرک است. ماهیت ایستای آن مانع از توجه به بسیاری از پیامدهای محدودیت بین زمانی بودجه دولت برای آثار واقعی تغییر در سیاست‌های مالی یا تأثیرات انتظارات در مورد سیاست‌های پولی بر دنباله‌ای از سطح قیمت تعادلی طی زمان می‌شود.

در سمپوزیوم مربوط به بررسی IS-LM و اقتصاد کلان مدرن (Young and Zilberfard, 2002: 5)، چشم‌انداز ارتباط اقتصاد کلان مدرن با IS-LM، منفی دیده شده است. خانم جون رابینسون نیز IS-LM را «کینزگرایی نامشروع» (Bastard Keynesianism) حرامزاده می‌داند.

به دلیل نقدهای یادشده، به ندرت چارچوب IS-LM و AS-AD در مقطع فوق‌لیسانس حتی ذکر می‌شود و به جای آن چندین سال است که مدل DSGE در اقتصاد کلان سطح کارشناسی ارشد تدریس می‌شود. اما، این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که چرا تحلیل IS-LM در برخی متون اقتصاد کلان دوره کارشناسی همچنان استفاده می‌شود.

کولاندر (Colander, 2004: 312) توضیح می‌دهد که مدل IS-LM به‌رغم نقدها، به پنج دلیل، جان سالم به در برده و باقی مانده است: ۱. یک ابزار آموزشی خوب با سطح ریاضی مناسب برای دانشجویان کارشناسی است؛ ۲. مانند یک مدل استاندارد تقاضا و عرضه است که برای دانشجویان راحت است؛ ۳. نمایش نموداری خوبی از مسائل سیاستی دشوار است؛ ۴. برای مسائل مربوط به سیاست اقتصادی، آزمون‌پذیر است؛ ۵. ظرافت آن، شالوده‌های عمیق نظری اقتصاد کلان را پنهان کرده است.

رومر (۲۰۰۰) و تیلور (۲۰۰۰) چارچوب جدیدی برای رویکرد تحلیلی اقتصاد کلان مطرح می‌کنند. در چارچوب پیشنهادی رومر-تیلور، به جای منحنی LM، طبق قاعده تیلور، منحنی MP (سیاست پولی) و به جای عرضه کل، خط IA (تعدیل تورم) قرار داده شده است. بنابراین، به جای رویکرد تحلیلی سنتی IS-LM-AS، رویکرد تحلیلی مدرن IS-MP-IA پیشنهاد شده است که رومر یازده مزیت برای آن برمی‌شمارد.

میشکین (۲۰۱۲) در فصل دهم کتاب *اقتصاد کلان* خود از منحنی MP به جای LM استفاده می‌کند و ویلیامسون (۲۰۱۱) نیز در کتاب *اقتصاد کلان* خود، منحنی LM را با قاعده نرخ بهره واقعی جایگزین می‌کند. به طور مشابه، جونز (۲۰۱۱) نیز در کتاب *اقتصاد کلان*

خود در تحلیل کوتاه‌مدت، منحنی LM را با قاعدهٔ تیلور جایگزین می‌کند که در آن بانک مرکزی نرخ بهرهٔ اسمی را در واکنش به تورم تعیین می‌کند. ویراپانا (۲۰۰۳) چارچوب سنتی یادشده را با مدل AD/PA (یعنی تقاضای کل/ تعدیل قیمت) بر اساس کار رومر و تیلور جایگزین می‌کند. نقش مهم مقالهٔ ویراپانا (۲۰۰۳) معرفی اثر دام نقدینگی در چارچوب AD-PA است که شکل AD را تغییر می‌دهد.

۲,۳ رویکرد هر دو متن مبتنی بر سنتز نئوکلاسیک - کینزی است که مورد انتقاد است.

به نظر می‌رسد کتاب *اقتصاد کلان* برانسون از کتاب *پول، بهره و قیمت‌های دن* پاتینکن مبتنی بر سنتز نئوکلاسیک - کینزی الگو گرفته است^۱ و مطالعات انجام‌شده در چارچوب سنتز را در کتاب خود گردآوری کرده است.

سنتز نئوکلاسیک - کینزی، به عنوان تفسیر اقتصاد کینزی طی دو دههٔ ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ حاکم بود. اما، در دههٔ ۱۹۷۰، بسیاری از اقتصاددانان از تفسیر کینز توسط سنتز نئوکلاسیک ناراضی بودند، زیرا این تفسیر با ادعای کینز منطبق نبود. کینز نظریه‌ای ارائه کرد که عام‌تر از نظریهٔ کلاسیک باشد نه برعکس آن، که سنتز می‌گوید. از سوی دیگر، رفتار عقلایی بخشی از هستهٔ اصلی برنامهٔ تحقیق نئووالراسی است، در حالی که کینز، والراسی نبود.

دلیل دیگر بحران در سنتز نئوکلاسیک، ناتوانی آن برای توضیح دادن رویدادها بود. با افزایش تورم در اواخر دههٔ ۱۹۶۰، موفقیت تجربی و مبانی نظری سنتز، زیر سؤال رفت. با این حال، جدی‌ترین ضربه، تورم رکودی اواسط دههٔ ۱۹۷۰ به دنبال افزایش قیمت نفت بود. روشن بود که این سیاست، قادر به حفظ رشد یکنواخت و تورم پایین نیست. در اوایل دههٔ ۱۹۷۰، سنتز دچار دردسر جدی شد؛ زمانی که پایداری تورم و بیکاری در کشورهای عضو OECD با پیش‌بینی سنتز سازگار نبود و پاسخ‌های سنتی سیاست کینزی توسط دولت‌های مختلف غربی این مسئله را کاهش نداد.

لوکاس و سارجنت علیه سنتز نئوکلاسیک گفتند که سنتز در پیش‌بینی‌های خود شکست خورده است. نظر لوکاس و سارجنت این بود که دکترینی که بر اساس آن، پیش‌بینی‌های شکست‌خوردهٔ دههٔ ۱۹۷۰ انجام شد، اساساً ناقص است^۲ (Blanchard, 2008: 3).

در نظر اکسل لئون هافوود، سنتز معنای نظریه عمومی کینز را به طور کامل خنثی کرده است. لئون هافوود پیشنهاد کرد که به جای دنبال کردن «تبادل بیکاری» در یک سیستم ناقص، باید «عدم تعادل طولانی مدت» در سیستم بدون انعطاف ناپذیری های موقت تحلیل شود.

«کینزی های کمبریج» (نام دیگر پسا کینزی های بریتانیا) و هم تیان آن ها در ایالات متحده (پسا کینزی های امریکا)، سنتز را خیانتی بزرگ به انقلاب کینزی می دانند. مکتب کلاسیک جدید از دهه ۱۹۷۰ به عنوان رویکرد جدید اقتصاد کلان، جایگزین سنتز گردید (ibid:2).

کینگ (King, 2000: 45-96) و گودفرند (Goodfriend, 2002: 165-190) و وودفورد (Woodford, 2009: 267-277) در مقاله های خود تلاش کردند سنتز نئوکلاسیک - کینزی را احیا کنند، ولی از آن استقبال نشد.

کتاب /اقتصاد کلان نوشته الیور بلانچارد (۲۰۱۱)، یک متن استاندارد اقتصاد کلان مبتنی بر چارچوب تحلیلی سنتی و طبق رویکرد سنتز نئوکلاسیک - کینزی است.^۳ این کتاب شامل ۲۸ فصل است، اما هسته اصلی کتاب، شامل ۱۱ فصل است که تعادل اقتصاد کلان در کوتاه مدت (فصول ۳ و ۴ و ۵)، میان مدت (فصول ۶ و ۷ و ۸ و ۹) و دراز مدت (فصول ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳) را مورد بحث قرار می دهد.^۴ در جدول ۳ این مقایسه انجام شده است. بلانچارد می نویسد: اگر چهل سال پیش بود، آخرین بحث اقتصاد کلان، مدل IS-LM بود که فصل پنجم کتاب /اقتصاد کلان بلانچارد است، اما امروزه در ابتدای مباحث اقتصاد کلان برای تعادل کوتاه مدت در بازار کالاها و مالی مطرح می شود و سایر مباحث مطرح شده در چهل سال اخیر پس از آن می آید (Blanchard, 2011: 85).

جدول ۳. سرفصل متن درسی /اقتصاد کلان بلانچارد (۲۰۱۱) (فصل ۲۸)

۱. مروری بر اقتصاد جهانی
۲. مروری بر محتوای کتاب
۳. بازار کالاها (IS)
۴. بازارهای مالی (LM)
۵. بازار کالا و مالی (مدل IS-LM)
۶. بازار کار

۷. مدل تقاضای کل - عرضه کل
۸. نرخ طبیعی بیکاری و منحنی فیلیپس
۹. تورم، فعالیت و رشد پول
۱۰. واقعیت‌های رشد
۱۱. پس انداز، انباشت سرمایه و محصول
۱۲. پیشرفت فناوری و رشد
۱۳. پیشرفت فناوری: کوتاه، میان و درازمدت
گسترش نظریه اقتصاد کلان (پانزده فصل باقی‌مانده)
- انتظارات؛ (۱۴) ابزارهای اساسی انتظارات؛ ۱۵. بازارهای مالی و انتظارات؛ ۱۶. انتظارات، مصرف و سرمایه‌گذاری؛ ۱۷. انتظارات، محصول و سیاست
- اقتصاد کلان اقتصاد باز؛ (۱۸) بازبودن در بازارهای کالا و مالی، بازار کالا در یک اقتصاد باز؛ ۲۰. محصول، نرخ بهره و نرخ ارز؛ ۲۱. رژیم‌های نرخ ارز
- آسیب‌شناسی اقتصاد کلان؛ (۲۲) رکود شدید؛ ۲۳. تورم شدید
- بازگشت به سیاست اقتصاد کلان؛ (۲۴) آیا سیاست‌گذاران باید خودداری کنند؟ ۲۵. جمع‌بندی سیاست پولی؛ ۲۶. جمع‌بندی سیاست مالی؛ ۲۷. داستان اقتصاد کلان؛ ۲۸. بحران جهانی).

اقتصاد کلان بلانچارد (۲۰۱۱)، مطالعات موردی آموزنده متعددی دارد؛ انسجام کافی دارد (تفکیک کوتاه - میان - درازمدت) و هسته از گسترش‌ها تفکیک شده است؛ روزآمد است، به‌ویژه فصلی در مورد بحران اخیر اقتصاد جهانی دارد؛ بیانی ساده و روان و جامعیت دارد.^۵

برخی مفاهیم پوشش داده‌نشده در کتاب اقتصاد کلان دکتر رحمانی در مقایسه با اقتصاد کلان بلانچارد (۲۰۱۱) عبارت‌اند از: تفاوت اقتصاد کلان و اقتصاد خرد؛ اقتصاد کلان کینزی جدید؛ اقتصاد کلان کلاسیک جدید؛ برابری قدرت خرید؛ چرخه کسب و کار؛ رشد اقتصادی؛ رتبه‌بندی اعتباری؛ روحیات حیوانی؛ کاهش و افزایش ارزش پول؛ آربیتراژ؛ دامنه نرخ ارز؛ برابری مرکزی (نرخ ارز مرجع که حول آن نرخ ارز تغییر می‌کند)؛ هجوم به بانک (Bank Run) (تلاش هم‌زمان سپرده‌گذاران برای برداشت وجوهشان از بانک)؛ چانه‌زنی؛ کنترل سرمایه؛ نسبت سرمایه به دارایی بانک؛ (کالای جدید، کالای قدیمی را کهنه می‌کند، تکنیک جدید، تکنیک و مهارت قبلی را کهنه می‌کند)

(Churning) تعهد بدهی مبتنی بر وثیقه (CDO)، دامنه اعتماد (Band Confidence)؛ شاخص اعتماد مصرف‌کننده؛ هماهنگی سیاست‌های اقتصاد کلان؛ نرخ ارز تثبیت‌شده؛ تخریب خلاق؛ معتبر بودن سیاست اقتصادی؛ کانال اعتباری در سیاست پولی؛ سواپ نکول اعتبار (CDS)؛ کسری تعدیل‌شده چرخه‌ای؛ هیئت پولی در نظام ارزی؛ پولی‌کردن بدهی؛ نسبت بدهی به تولید ناخالص ملی؛ جدایی رشد (Growth Decoupling) (رشد کشورهای نوظهور به‌رغم رشد منفی کشورهای پیشرفته)؛ ریسک نکول؛ بازدهی کاهنده به نیروی کار؛ کارگر دلسرد؛ تورم کاهی - دلاری شدن؛ تقاضای داخلی کالاهای بازار کار دوگانه؛ مدل‌های تعادل عمومی تصادفی پویا؛ نیروی کار مؤثر؛ نرخ ارز واقعی مؤثر؛ دستمزد کارایی؛ اقتصادهای درحال ظهور؛ رکود فراگیر اقتصادی حوزه یورو (۱۹۷۰-۱۹۸۵) (Eurosclerosis) مد (Fad) (دوره زمانی که به دلیل مد یا خوشبینی زیاد، سرمایه‌گذاران مالی خواهان پرداخت مبلغ بیشتری برای یک سهم بیش از ارزش بنیادی آن هستند)؛ بیمه سپرده؛ زاینده‌گی پژوهش؛ سرمایه‌گذاری مالی؛ میزان‌سازی دقیق (Line-Luning)؛ انقباض مالی (Fiscal Consolidation)؛ اثر فیشر؛ نرخ ارز شناور؛ ارزش بنیادی سهم؛ سطح قاعده طلایی سرمایه؛ قیمت‌گذاری هدانیک (Hedonic Pricing)؛ برنامه تثبیت اقتصادی؛ ارزش تعادلی یک متغیر بستگی به پیشینه آن دارد (Hysteresis)؛ سیاست‌های درآمدی؛ سیاست صنعتی؛ هدف‌گذاری تورم؛ مالیات تورمی؛ شرط برابری بهره (پوشش داده‌نشده)؛ منحنی جی؛ جهش قورباغه‌ای (Leapfrogging)؛ نسبت اهرم؛ نرخ لایبور؛ نقد لوکاس؛ هزینه فهرست بها؛ رشد درونزا - متغیرهای جمعی شده پولی - مضیقه پولی - اوراق بهادار مبتنی بر وام مسکن (MBS)؛ سنتز نئوکلاسیک؛ خنثایی پول؛ قانون اکان؛ نرخ بهره یک‌شبه؛ افزایش شدید نرخ ارز (Overshooting)؛ چرخه سیاسی کسب و کار؛ شاخص قیمت تولیدکننده؛ مکانیزم تکثیر (Propagation) (اثر پویای شوک بر محصول)؛ برابری قدرت خرید؛ گام تصادفی مصرف؛ حباب سفته‌بازی عقلانی؛ چرخه واقعی کسب و کار؛ دستمزد آستانه‌ای (Reservation Wage)؛ معادل ریکاردویی؛ نسبت فداکردن؛ بازار کار اولیه و ثانویه؛ تبدیل به اوراق بهادار کردن؛ درآمد ناشی از خلق پول (Seignorage)؛ ناسازگاری زمانی؛ کیو تو بین؛ دارایی مسئله‌دار (Toxic Assets)؛ اوراق خزانه؛ ساختار زمانی نرخ‌های بهره؛ اقتصاد زیرزمینی؛ کسری دوقلو؛ شاخص‌بندی دستمزد؛ منحنی عایدی (Yield)؛ بانکداری سایه‌ای؛ پیشرفت فنی متمایل به مهارت؛ محدودیت نرم بودجه؛ پراکندگی زمانی تصمیمات قیمت و دستمزد (Staggering Price and Wage)

(Adjustment)؛ وضعیت مانا؛ تعامل استراتژیک؛ کسری ساختاری؛ اقتصاد طرف عرضه؛ قاعده تیلور؛ اثر تانزی؛ اولیورا؛ یکنواخت کردن درآمدهای مالیاتی (Tax Smoothing).

۳.۳.۲. مقایسه اقتصاد کلان برانسون (۱۹۸۹) با اقتصاد کلان رومر (۲۰۰۶)

با توجه به اینکه در برخی مؤسسات آموزش عالی کشور، اقتصاد کلان برانسون (۱۹۸۹) در مقطع کارشناسی ارشد تدریس می‌شود، در جدول ۴ محتوای آن را با محتوای اقتصاد کلان رومر (۲۰۰۶) که در اغلب دانشگاه‌های دنیا در مقطع کارشناسی ارشد تدریس می‌شود، مقایسه می‌کنیم.

جدول ۴. متن درسی اقتصاد کلان رومر (۲۰۰۶)

اقتصاد کلان پیشرفته رومر (۲۰۰۶)
۱. مدل رشد سولو
۲. مدل‌های نسل‌های متداخل و افق نامحدود
۳. نظریه جدید رشد
۴. نظریه چرخه واقعی کسب و کار
۵. نظریه‌های سستی کینزی برای نوسانات
۶. مبانی اقتصاد خرد تعدیل اسمی ناقص
۷. مصرف
۸. سرمایه‌گذاری
۹. بیکاری
۱۰. تورم و سیاست پولی
۱۱. کسری بودجه و سیاست مالی
David Romer (2006). <i>Advanced Macroeconomics</i> , 3 rd edition, MacGraw-Hill.

اقتصاد کلان پیشرفته رومر شامل یازده فصل یادشده در جدول ۴ است. بخش زیادی از کتاب به رشد اقتصادی اختصاص یافته است. سه فصل نخست مربوط به رشد است؛ فصول چهارم تا ششم به نوسانات کوتاه‌مدت (کاهش و افزایش سالانه و فصلی بیکاری و تولید) اختصاص دارد. تحلیل شش فصل یادشده حاکی از آن است که رفتار مصرف و سرمایه‌گذاری در رشد و نوسانات، نقش مرکزی دارد. لذا، فصول هفتم و هشتم عوامل

تعیین‌کننده مصرف و سرمایه‌گذاری را بررسی می‌کند؛ فصل نهم به بازار کار می‌پردازد؛ دو فصل دهم و یازدهم به سیاست‌های پولی و مالی در اقتصاد کلان اختصاص دارد.

با بررسی محتوای متن *اقتصاد کلان* رومر، به‌نظر می‌رسد رویکرد کتاب، مکتب کینزی جدید است، در حالی که رویکرد کتاب *اقتصاد کلان* برانسون به اذعان مؤلف، سنتز نئوکلاسیک است. از جهت روزآمدی، محتوای کتاب رومر، به‌روشنی روزآمدتر از کلان برانسون است و پیشرفت‌های اقتصاد کلان طی دهه ۱۹۹۰ و دهه ۲۰۰۰ تا زمان انتشار ویرایش جدید کتاب در سال ۲۰۰۶ را شامل می‌شود. برخی مفاهیم و مباحث کتاب *اقتصاد کلان پیشرفته* رومر (۲۰۰۶) که در کتاب *اقتصاد کلان* برانسون معرفی نشده است، عبارت‌اند از:

محیط زیست و رشد اقتصادی؛ کاربرد مدل‌های نسل‌های متداخل و افق نامحدود در رشد؛ کاربرد مدل رمزی، کاس، کوپمن در رشد؛ مدل دیاموند و رشد؛ نظریه جدید رشد اقتصادی؛ مدل‌های تحقیق و توسعه و رشد؛ مدل‌های انباشت دانش و تأثیر تحقیقات علوم پایه بر رشد؛ یادگیری در عمل؛ پس‌انداز درونزا؛ گسترش مدل سولو برای شامل شدن سرمایه انسانی؛ زیرساخت اجتماعی؛ نظریه چرخه واقعی کسب و کار؛ آزمون پلاسر و نلسون برای نوسانات؛ آزمون منکیو و کمپل برای نوسانات؛ کالیراسیون؛ معادله سنت لوییس در نوسانات؛ مدل اطلاعات ناقص لوکاس؛ اقتصاد کینزی جدید؛ نقد لوکاس؛ مدل‌های ناتوانی در هماهنگی؛ پراکندگی زمانی تعدیل قیمت؛ مدل کاپلین، اسپالبر؛ مدل منکیو، ریس؛ فرضیه گام تصادفی در مصرف در شرایط نااطمینانی؛ آزمون منکیو و کمپل برای فرضیه گام تصادفی؛ آزمون شیا برای فرضیه گام تصادفی؛ مصرف و دارایی‌های ریسکی؛ مدل قیمت‌گذاری دارایی سرمایه‌ای با مصرف؛ مدل سرمایه‌گذاری با هزینه‌های تعدیل؛ آزمون سامرز برای کیو توپین؛ آزمون کامین، هاست و هوبارد برای کیو توپین؛ هزینه‌های تعدیل ثابت و شکسته؛ نواقص بازار مالی؛ اطلاعات نامتقارن؛ آزمون فازاری، هوبارد و پترسون؛ نقد کاپلان و زینگل؛ مدل دستمزد کارایی؛ مدل شاپیرو، استیگلیتز؛ مدل‌های درونی، بیرونی؛ ارزش تعادلی یک متغیر به پیشینه آن بستگی دارد؛ مدل‌های جست‌وجو و انطباق؛ ساختار زمانی نرخ‌های بهره؛ نظریه‌های ناسازگاری پویا و سیاست پولی؛ استقلال بانک مرکزی و تورم؛ قواعد نرخ بهره؛ هدف‌گیری تورم؛ حق نشر پول و تورم؛ هزینه‌های تورم؛ بازی‌های پونزی؛ معادل ریکاردویی؛ یکنواخت کردن درآمدهای مالیاتی؛ نظریه‌های اقتصاد سیاسی کسری بودجه دولت؛ هزینه‌های کسری بودجه دولت.

۴. نقد محتوای اقتصاد کلان برانسون

۱. شیوه تحلیلی کتاب *اقتصاد کلان* برانسون، ایستای مقایسه‌ای است. در این شیوه، قبل و بعد از اعمال سیاست پولی و مالی به صورت ایستا با یکدیگر مقایسه می‌شود، در حالی که در تحلیل کنونی اقتصاد کلان، به صورت پویا بحث می‌شود؛ یعنی، قبل — حین و بعد از اعمال سیاست، مورد بحث قرار می‌گیرد و به عبارت دیگر، زمان پیوسته در نظر گرفته می‌شود.

۲. در فصل ۱۱ (انتظارات عقلایی و سیاست تقاضا)، برانسون نتیجه می‌گیرد که هر چند انتظارات عقلایی باشد و پیش‌بینی مردم کاملاً درست باشد، باز هم به خاطر دستمزدهای چنددوره‌ای، شیب عرضه جمعی اقتصاد مثبت می‌شود یا اینکه سیاست‌های انبساطی مؤثر است؛ یعنی، مانند استانی فیشر می‌اندیشد (استانی فیشر، کینزی جدید است). در همین بخش نتیجه‌گیری، کلاسیک‌های جدید را نقد می‌کند. وی می‌گوید:

اگر انتظارات در اطراف میانگین عقلایی خودشان توزیع شده باشند، معلوم نیست بتوانیم اقتصاد را به گونه‌ای در نظر بگیریم که گویا همه به طور متحدالشکلی پیش‌بینی بدون تورشی داشته‌اند. شاید در این مرحله، بیشترین چیزی که می‌توانیم بگوییم این است که نیازی به پذیرش بدون شرط انتظارات عقلایی تمام‌عیار نیست، به‌ویژه وقتی اقتصاد وارد حوزه‌هایی می‌شود که در آن داده‌های مربوط به گذشته وجود ندارد (برانسون، ۱۳۸۷: ۲۳۴).

در فصل شانزدهم (سیاست پولی و مالی در مدل گسترش یافته) در بحث از مؤثر بودن سیاست تقاضای کل (جمعی) از دیدگاه پولی‌گرایان (Monetarist) و مالی‌گرایان (Fiscalist) و کلاسیک‌های جدید، هنگام توضیح مدل مالی‌گرایان از موضع کینزی دفاع می‌کند و به پولی‌گرایان حمله می‌کند. در این زمینه می‌گوید: این موضع حدی مالی‌گرایان است. به‌سختی می‌توان اقتصاددانی یافت که عملاً به این دیدگاه اعتقاد داشته باشد، بلکه فردی خیالی (Straw) است که توسط پولی‌گرایان در مناظره‌های عمومی برای حمله به مالی‌گرایان مطرح می‌کنند. اما، موضع عملی نیست که به طور جدی اقتصاددانان حرفه‌ای اتخاذ کرده باشند. مخالفان غالباً موضع مالی‌گرایان را کینزی نامیده‌اند. این به‌نظر می‌رسد به خاطر آن نیست که کینز این دیدگاه را داشته است، بلکه بیشتر به خاطر تحلیل ضریب فزاینده است که در متون مقدماتی برای معرفی تحلیل تعیین درآمد کینز ذکر شده است و هیچ نقشی برای سیاست پولی قایل نیست. مؤلف (برانسون) موضع مالی‌گرایان را گرچه غیرمحمّل است، تا حدی جالب می‌داند (همان: ۳۸۳-۳۸۴). برانسون در همین فصل هنگام طرح موضع حدی پولی‌گرایان، چنین دفاعی را از موضع آن‌ها ندارد.

۳. در فصل یازدهم، هر چند جنبه مهمی از اقتصاد کلان مدرن (انتظارات عقلایی) مطرح شده است که از مزایای این کتاب است، به صورت مغلق نوشته شده است. افزون بر آن، بعد از توضیح مفهوم انتظارات عقلایی، با معرفی قراردادهای درازمدت، برانسون به «اقتصاد کلان کلاسیک جدید» حمله می‌کند که بی‌طرفی یک متن درسی را خدشه‌دار می‌کند.

۴. در مدل‌های رشد، مدل‌های پولی رشد (Monetary growth model) و رشد درونزا توضیح داده نشده است. همچنین، از اقتصاد کلان رفتاری، مدل نسل‌های متداخل و مدل‌های محاسباتی مانند خودرگرسیون‌برداری در اقتصاد کلان بحث نشده است.

۵. فصل پنجم دارای یک پیوست در مورد جبرماتریسی است، در حالی که در کتاب استفاده نشده است، اما پیوستی در مورد دیفرانسیل کلی وجود ندارد، در حالی که کتاب *اقتصاد کلان* برانسون از حساب دیفرانسیل (Differential Calculus) استفاده بسیاری کرده است.

۶. عقیلا ویراپانا در مقاله خود به مقایسه عملکرد دو مدل IS-LM و AD-PA (تقاضای کل - تعدیل قیمت) در آموزش دو موضوع مهم در اقتصاد کلان می‌پردازد: نخست، مؤثر بودن سیاست پولی در تحریک (Stimulating) اقتصاد ژاپن در دهه ۱۹۹۰ و دوم، چرخش سریع فدرال رزرو آمریکا از سیاست انقباضی به سیاست انبساطی در سال ۲۰۰۱. ویراپانا در مطالعه خود نتیجه می‌گیرد که برای اقتصاد کلان میانه مدل AD-PA بر مدل IS-LM برتری دارد. مدل پیشنهادی تیلور و رومر می‌تواند جایگزین مناسبی برای مدل IS-LM باشد (Weerapana, 2003: 241-263).

رابرت کینگ این دیدگاه را به چالش کشیده است که مدل IS-LM بهترین راه تحلیل تقاضای کل (جمعی) است. وی می‌گوید: تلاش برای رواج دوباره مدل IS-LM غیرمحمول است اثر زیادی بر ساختن مدل‌های جدید پویای در مقیاس کوچک داشته باشد. این واقعیت به‌ناچار به اضمحلال مدل IS-LM منجر می‌شود (King, 1993: 80).

۷. سال‌های دهه ۱۹۸۰ و دهه ۱۹۹۰ شاهد توسعه نظریه اقتصاد کلان بود و اقتصاد کلان کینزی جدید، مبانی خرد اقتصاد کلان را گسترش داد و در طرف دیگر بحث، اقتصاد کلان کلاسیک جدید توسعه یافت و چرخه‌های واقعی کسب و کار را مطرح کردند. اقتصاد کینزی جدید توجیهات منطقی برای قیمت‌ها و دستمزدهای انعطاف‌ناپذیر ارائه کرد. یک ویژگی مشترک مدل‌های کینزی جدید، در نظر گرفتن شرایط رقابتی ناقص در بازار محصول و بازار کار است. ویژگی دیگر این مدل‌ها، تعیین قیمت و دستمزد در یک بخش اقتصاد

است. همچنین، مدل درونی - بیرونی برای چانه‌زنی دستمزد برای صنایع با بنگاه‌های الیگوپولیستی و اتحادیه‌های کارگری قوی، واقعی‌تر است. ملاحظات دستمزد کارایی در مشاغل مهم است که هزینه‌های پایش عملکرد کارکنان زیاد است. هزینه‌های بروشور و فهرست بها می‌تواند برای برخی بنگاه‌ها اهمیت داشته باشد. یک ویژگی رویکرد چرخه واقعی کسب و کار این است که این مدل‌ها نوسانات اقتصادی کلان را به عنوان نتیجه تصمیمات اتخاذشده توسط کارگزاران اقتصادی می‌داند که مطلوبیت را در افق چنددوره‌ای مشروط به امکانات تولید و محدودیت‌های منابع، حداکثر می‌کند. غالباً این به «رویکرد کارگزار نماینده» (Representative Agent Approach) ترجمه می‌شود. در هر حال، این یک رویکرد تعادل عمومی پویا است. طی دهه ۱۹۹۰، اقتصاد کلان باز جدید توسعه یافت. جایگاه اقتصاد کلان بین‌الملل نیز در مباحث کلان ارتقا پیدا کرد. این مباحث جدید در اقتصاد کلان برانسون منعکس نشده است.

۸. طی دهه ۱۹۹۰، در تحلیل سیاست‌گذاری اقتصاد کلان، جنبه‌های استراتژیک (یا نظریه بازی) مورد توجه بیشتری قرار گرفت. برخی کاربردهای نظریه بازی در اقتصاد کلان در زمینه سیاست‌های بانک مرکزی، معافیت مالیاتی، ناکارایی تخصیص بازار کار و وام در شرایط عدم تقارن اطلاعات مورد بحث قرار گرفت. همچنین، مسئله «ناسازگاری زمانی» (Time Inconsistency) نیز در مباحث سیاست‌گذاری به کار رفت^۶ و ملاحظات مربوط به «انتخاب عمومی» (Public Choice) اقتصاد سیاسی کلان (Political Economy) (Macroeconomics) مانند مدل چرخه کسب و کار سیاسی نورد هاوس در مباحث سیاست‌گذاری کلان استفاده شد.

طی دهه ۱۹۹۰، تحلیل تعادل عمومی پویا در مدل‌های چرخه واقعی کسب و کار به کار رفت. کلاسیک‌های جدید «حداکثرسازی بین زمانی کارگزار نماینده» (Representative Agent's Intertemporal Maximization) را مدل‌سازی کردند که نشان می‌داد در این مدل‌ها شوک‌های بهره‌وری بر کار کارگزار نماینده، تقاضای کالا و رفتار پس‌انداز و سرمایه‌گذاری اثر می‌گذارد» (Froyen, 1996: 108-115).

این مباحث نیز به دلیل عدم انتشار ویرایش جدید پس از ۱۹۸۹، در اقتصاد کلان برانسون پوشش داده نشده است. البته، ساختار تحلیلی کتاب که مبتنی بر سنتز نئوکلاسیک - کینزی و ایستای مقایسه‌ای است، طرفداران اندکی دارد. در برنامه درسی اقتصاد کلان اغلب دانشگاه‌های معتبر جهان نیز سال‌هاست از این کتاب به عنوان متن درسی استفاده نمی‌شود.

۴. نتیجه گیری

هر دو متن درسی مورد بررسی، بر اساس چارچوب سنتی در آموزش اقتصاد کلان مبتنی بر اقتصاد کینزی و رویکرد سنتز نئوکلاسیک - کینزی هستند که طرفداران اندکی دارد. هیچ یک از دو متن بررسی شده، روزآمد نیستند و در مقایسه با متون درسی استاندارد اقتصاد کلان، کاستی های متعددی دارند. به رغم قوت های تحلیلی متون اقتصاد کلان رحمانی و برانسون برای سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد، به دلیل روزآمدنبودن مباحث و پوشش ناکافی مفاهیم جدید و چارچوب نظری و رویکرد تحلیلی مبتنی بر آن، به عنوان یک متن درسی برای اقتصاد کلان کارشناسی و کارشناسی ارشد ناکافی هستند. با توجه به توان علمی و احاطه مؤلف و مترجم این دو اثر بر مباحث اقتصاد کلان، توصیه می شود نسبت به ارائه اثری روزآمد با جامعیت نسبی بر اساس چارچوب سنتی و مباحث جدید رویکرد سنتز یا بر اساس چارچوب مدرن طبق کلاسیک جدید یا کینزی جدید، اقدام نمایند.

پی نوشت

۱. کتاب دن پاتینکن، پول، بهره و قیمت ها، به دو بخش تقسیم شده است: بخش نخست اقتصاد خرد و بخش دوم اقتصاد کلان است. در بخش اقتصاد خرد که در واقع نظریه پولی با رویکرد اقتصاد خرد است، ابتدا نظریه یک اقتصاد مبادله ای تهاتری (بدون پول) معرفی می شود و سپس توابع تقاضای اضافی در یک اقتصاد پولی ارائه می گردد که در آن نقش پول، تقاضای اضافی کالاها و اثر مانده واقعی، تبیین شده است. پول و قیمت های نسبی در مدل تعادل عمومی والراسی، پول و بهره و رجحان زمانی آن، پول در تابع مطلوبیت، انگیزه های نگهداری پول و پرتفوی بهینه دارایی ها و در نهایت نقد نظریه پولی نئوکلاسیک، ارائه شده است.

در بخش اقتصاد کلان، ابتدا مدل اقتصاد کلان شامل بازارهای کار، کالاها، اوراق قرضه و پول معرفی شده است و سپس کارکرد این مدل در اشتغال کامل توضیح داده شده است و به ویژه تأثیرات افزایش حجم پول مورد بررسی قرار گرفته است. مدل گسترش یافته با شمول انعطاف ناپذیری دستمزد و قیمت، توهم پولی و همچنین وارد کردن بدهی دولت، نظام بانکی و عملیات بازار باز و اثر انتظارات تحلیل شده است؛ سپس، کارکرد مدل در شرایط بیکاری غیرارادی بحث شده است و تحلیلی از نظریه های اشتغال کینز و کلاسیک ها ارائه شده است. سرانجام، آخرین فصل کتاب به نقد نظریه بهره کینز (رجحان نقدینگی) و کلاسیک ها (وجوه وام داندنی) پرداخته است. نیمی از کتاب نیز به ۱۰ ضمیمه و ۱۲

- یادداشت اختصاص یافته است که توضیح بیشتر برای مطالب کتاب است. سنتز پیشنهادی پاتینکن را می توان سنتز کینزی - نئوکلاسیک (والراسی) نامید.
۲. در اواسط دهه ۱۹۹۰، «سنتز نئوکلاسیک جدید» توسط گودفرن و کینگ (۱۹۹۷) مطرح شد. سنتز جدید مانند سنتز قدیمی، دو ویژگی عمده دارد: اول، رفتار بهینه سازی شرکت ها، مصرف کنندگان و کارگران؛ دوم، وجود اختلالات و از همه مهم تر انعطاف ناپذیری های اسمی. علاوه بر آن، برخلاف سنتز قدیم، اختلالات صریحاً معرفی شدند و رفتار قیمت و دستمزد از بهینه سازی رفتار تعیین کنندگان قیمت و دستمزد مشتق شدند. وجود این اختلالات به این معناست که مانند سنتز قدیم، سیاست پولی و سیاست مالی، نقش مهمی دارند. مانند سنتز قدیم، سنتز جدید از مبانی خرد به دست می آید؛ یعنی، حداکثر سازی مطلوبیت مصرف کنندگان و حداکثر سازی سود توسط شرکت ها. اما، در حالی که مدل ها در سنتز قدیم از نظریه به عنوان یک راهنمای سست برای تصریحات تجربی استفاده، مدل ها در سنتز جدید بسیار نزدیک به مبانی خرد باقی ماند. پویایی ها از خود مدل به دست آمده است و معادلات ضمنی رفتاری به جای تخمین زدن، به طور معمول از مفروضات مربوط به پارامترهای تکنولوژیکی و مطلوبیت زیرین مشتق شده است. تصریح بیشتر مبانی خرد باعث گردید تحلیل پیامدهای سیاست ها با توجه به تأثیرات رفاهی آن ها بیش از آنچه با مدل های سنتز قدیم ممکن بود، امکان پذیر گردد. مدل سنتز جدید به عنوان «تعادل عمومی پویای تصادفی» یا مدل های DSGE، نامیده شده است. اما، فرموله کردن بازارها مانند بازار کالاها و نیروی کار، منطبق با روح فرموله کردن مدل های قدیم، ابتدایی باقی مانده اند. برخی مفروضات، عقلانیت مندرج در سنتز جدید را بیش از حد قوی می دانند و روش شناسی آن را بیش از حد محدودکننده برای تسخیر پیچیدگی داده ها می دانند. مدل های DSGE برای سیاست گذاری به طور فزاینده ای مورد استفاده قرار گرفته است؛ مثلاً، در تحلیل اختلالات در بازارهای کار، مالی و اعتباری و کالا، یا در استفاده از اقتصادسنجی برای ارزیابی مناسب بودن سیاست.
۳. البویر بلانچارد در پاسخ به پرسش حضوری و نامه الکترونیک این جانب اظهار داشت که کتاب اقتصاد کلان (۲۰۱۱) وی، به خوبی نشان دهنده رویکرد سنتز نئوکلاسیک - کینزی است.
۴. فصول ۱ و ۲ کتاب بلانچارد، مطالب مقدماتی است. پانزده فصل باقی مانده کتاب، گسترش هسته نظریه (سنتز نئوکلاسیک) اقتصاد کلان به انتظارات (فصول ۱۴ تا ۱۷)، اقتصاد باز (فصول ۱۸ تا ۲۱)، آسیب شناسی کلان (۲۲ و ۲۳)، سیاست های پولی و مالی (۲۴ تا ۲۶) و تحولات تاریخی اقتصاد کلان و بحران جهانی (فصول ۲۷ و ۲۸) است.
۵. مقایسه کتاب اقتصاد کلان بلانچارد با کلان برانسون نشان می دهد که رویکرد آن تشابه زیادی با کتاب بلانچارد دارد.
- کلان برانسون شامل پنج قسمت است: قسمت اول، شامل سه فصل، مقدمه ای بر اقتصاد

کلان است؛ قسمت دوم، مدل تعادلی ایستا برای تعیین درآمد ملی است که در آن تعادل طرف تقاضا طبق مدل IS-LM، تعادل طرف عرضه و تعادل هم‌زمان طرف عرضه و طرف تقاضا توضیح داده شده است؛ قسمت سوم، اضافات مدل ایستای تعادلی با افزودن توابع تقاضای بخشی شامل تعادل تراز پرداخت‌هاست؛ قسمت چهارم، تعادل میان‌مدت شامل منحنی فیلیپس و بودجه و بدهی دولت است؛ قسمت پنجم، رشد درازمدت به همراه اشتغال کامل است که در آن مدل رشد نئوکلاسیک‌ها و وضعیت تعادلی رشد تبیین شده است.

۶. مدل کیدلند و پرسکات برای تحلیل سیاست پولی، نمونه‌ای از ناسازگاری زمانی سیاست‌های بهینه است. در این مدل، بانک مرکزی و مردم، دو بازیگری هستند که هر دو به دنبال حداکثرسازی سود خود هستند. سیاست بهینه بانک مرکزی کنترل تورم است. اگر مردم این سیاست را باور کنند، اقدامی در جهت تغییر دستمزدهایشان نخواهند کرد. حال، اگر بانک مرکزی از سیاست اعلام‌شده خود دست‌بردارد و عرضه پول را افزایش دهد، می‌تواند با کاهش دستمزد واقعی، بیکاری را کاهش دهد. سیاست قبلی بانک مرکزی در زمان خودش بهینه بود، ولی در شرایط جدید دیگر بهینه نیست. از آنجا که مردم انتظارات عقلایی دارند، این وضع را درک کرده و انتظار تغییر سیاست بانک مرکزی در مرحله بعد را دارند و لذا نسبت به آن واکنش نشان داده و به دنبال افزایش دستمزدها خواهند بود. این مدل نشان می‌دهد که چگونه اقدام سیاست‌گذاران می‌تواند به وضعیت نامطلوبی مانند تورم منجر شود؛ وضعیتی که مدل ناسازگاری زمانی سیاست‌های بهینه می‌تواند آن را توضیح دهد.

منابع

- برانسون، ویلیام اچ (۱۳۸۷). *نظریه و سیاست‌های اقتصاد کلان*، ترجمه عباس شاکری، چ ۱۲، تهران: نی.
 رحمانی، تیمور (۱۳۸۴). *اقتصاد کلان*، جلد اول و دوم، چ ۷، تهران: برادران.
 میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۸۹). «بررسی و نقد کتاب نظریه و سیاست‌های اقتصاد کلان»، *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، ش ۱۰.

- Backhouse, Roger (1996). *Interpreting Macroeconomics, Explorations in the History of Macroeconomic Thought*, Routledge.
 Backhouse, Roger and David Laidler (2004). "What Was Lost with IS-LM", *History of Political Economy*, Vol.36, Supplement.
 Barends, Ingo (1997). "What Went Wrong with IS-LM/AS-AD Analysis and Why?", *Eastern Economic Journal*, Vol.23, No.1.
 Barro, Robert (2008). *Macroeconomics, A Modern Approach*, Thomson.
 Blanchard, Olivier (2008). "Neoclassical Synthesis", *The New Palgrave Dictionary of Economics*, 2nd Edition, Macmillan Press.

- Blanchard, Olivier (2011). *Macroeconomics*, 5th Edition, Prentice-Hall.
- Branson, William H. (1989). *Macroeconomic Theory and Policy*, 3th Edition, Harper and Row Publishers.
- Colander, David (1995). "The Stories We Tell: A Reconsideration of AS/AD Analysis", *Journal of Economic Perspectives*, Vol.9, No.3.
- Colander, David (2004). "The Strange Persistence of the IS/LM Model", *History of Political Economy*, Vol.36, Supplement.
- Darlauf, Steven and Donald Hester (2008). *IS-LM*, 2nd Edition, Macmillan.
- De Araujo, Pedro; Roisin O'Sullivan and Nicole Simpson (2012). *What Should be Thought in Intermediate Macroeconomics*.
- De Vory, M. and Malgrange (2011). *The History of Macroeconomics from Keynes's General Theory to the Present*, University of Louvain.
- Froyen, Richard (1996). "The Evolution of Macroeconomic Theory and Implications for Teaching Intermediate Macroeconomics", *Journal of Economic Education*.
- Geithman, David (1994). "A Note on Teaching the Aggregate Supply-Aggregate Demand Model", *Eastern Economic Journal*, Vol.20, No.4.
- Goodfriend, Marvin (2002). "Monetary Policy in the New Neoclassical Synthesis: A Primer", *International Finance*, Vol.5, No.2.
- Jones, Charles (2011). *Macroeconomics*, Norton and Company.
- king, Robert (1993). "Will the New Keynesian Macroeconomics Resurrect the IS-LM Model?", *Journal of Economic Perspectives*, Vol.7, No.1.
- King, Robert (2000). "The New IS-LM Model: Language, Logic and Limits", *Federal Reserve Bank of Richmond Economic Quarterly*, Vol.86, No.3.
- Mishkin, Frederic (2012). *Macroeconomics Policy and Practice*, Addison-Wesley.
- Nelson, Edward (2008). *IS-LM in Modern Macro*, in *The New Palgrave Dictionary of Economics*, 2nd Edition, Macmillan.
- Patinkin, Don (1965). *Money, Interest and Prices*, 2nd Edition, Harper and Row Publisher.
- Romer, David (2000). "Keynesian Macroeconomics without the LM Curve", *Journal of Economic Perspectives*, Vol.14, No.2.
- Romer, David (2006). *Advanced Macroeconomics*, 3rd Edition, MacGraw-Hill.
- Taylor, John (2000). "Teaching Modern Macroeconomics at the Principle Level", *American Economic Review*, 90 (2).
- Weerapana, Akila (2003). "Intermediate Macroeconomics without IS-LM Model", *Journal of Economics Education*.
- Williamson, Stephen (2011). *Macroeconomics*, Pearson.
- Woodford, Michael (2009). "Convergence in Macroeconomics: Elements of the New Synthesis", *American Economic Journal: Macroeconomics*.
- Young, Warren; and Ben Zilberfard (eds.) (2000). *IS-LM and Modern Macroeconomics*, Kluwer Academic Publishers.